

علی اصغر
فراسیون

ملت

ملیت

تابعیت

رتال جامع علوم انسانی

ملت در لغت بمعنی گروه و جمعیت است ولی در اصطلاح حقوقی عبارت از يك دسته افرادی است که ماهیت و خواص شرکت اجتماعی داشته در تأمین نیازمندیها و اجرای خواسته‌های حیاتی و تکمیل وسائل رفاه و امنیت در قلمرو حکومت و اصول واحدی زندگی کنند .

ولی مفهوم «ملت» بمعنای امروزی آن، مفهوم کاملاً جدیدی است، زیرا سابقاً اغلب مفهوم «ملت» با «اتباع يك دولت» مشتبه شده ، حقوق ملی و حقوق دولت را بجای یکدیگر استعمال میکردند در صورتیکه ملیت و تابعیت دو حقیقتی هستند که هدف

اجتماعی آنها یکی ولی درعین حال متفاوت و از یکدیگر جدا هستند و این جدائی بارز از لحاظ علمی قابل بحث است .

ملیت يك کیفیت معنوی است که با نیروی روحی تحقق یافته در پیکر احساسات اجتماعی جلوه میکند ولی تابعیت ممکن است از روح بیرون و از احساسات ملی دور باشد .

در این عصر بحث در باره ملیت در واقع بحث در تعریف و تشخیص یکی از پدیده‌های سیاسی زمان است که نظریات مختلف و عقاید متفاوتی در اطراف آن ابراز و بیان شده است .

بعقیده مؤلفین و نویسندگان دائرة المعارف‌ها، زبان ساده‌ترین عاملی است که در مسئله ملیت جلب توجه میکند ولی در حالیکه بعضی از ملل مانند مصریان بزبان نژادی و اصلی خود تکلم نمی‌کنند ، امروز نمیتوان زبان را یگانه مأخذ قرار داد ، امروز زبان را فقط میتوان یکی از اصول ملیت شمرد .

در عصر صفویه میخواستند وحدت ملی را با وحدت مذهب نگاهدارند ولی امروز تمام اقلیت‌های مذهبی تابع و مقیم در کشور يك ملتند و باید تلاش در تعمیم زبان ملی باشد زیرا یگانگی زبان در وحدت ملی خیلی مؤثر است، البته برنامه مبارزه با بیسوادی و بطور کلی برنامه انقلابی ما در گسترش و یگانگی زبان ملی نیز اثر دارد ولی امروز باید عوامل مثبت و جاری را در نظر گرفت و بر اساس مجموعه آنها قضاوت کرد .

«سرزمین» یا باصطلاح سیاسی «کشور» برای رسمیت دادن بيك ملت ضرور است کما اینکه قبل از تشکیل دولت اسرائیل و سکونت در محدوده خاصی بیهودیان پراکنده ملت اطلاق نمی‌کردند بلکه قوم یهود میگفتند امروز هم ملت اسرائیل همان قسمت از قوم یهود است که در کشور اسرائیل سکونت دارد .

غیر از زبان و زمین و خاک و خون اقتصادیات هم در تکوین ملت‌ها رکنی از ارکان است که اینک ملت اقتصادی «چک» و «اسلواک» را یکی کرد و عامل اقتصادی فلامانها

و والوانها را متحدساخت و بلژیک را بوجود آورد و از همه مهمتر فرهنگ است، طرز تفکر و استدلال و استنتاج است، که حیات اجتماعی و سیاسی را تحت تأثیر خود قرار میدهد و زبان در ایجاد فرهنگ تأثیرشگرف دارد و آمال مشترک و خصائل ملی بوجود میآورد. باری، عناصر ملیت عبارتند از خاطرات ملی و نژاد مذهب و مرام و وحدت و قوانین و موقعیت جغرافیائی و سایر کیفاتی که مولود مظاهر روح و فکر باشند ولی تابعیت گاهی بر اثر سود یا زیان مادی و مصالح حیاتی و وقایع سیاسی تحصیل یا تحمیل میشود و زمانی قهر و غلبه یا عشق و علاقه عامل آنست.

ملیت متضمن مجموعه احساسات و علائق و تمایلات افراد نسبت به آثار و آداب و عادات و خصوصیات وطنی است، ولی تابعیت تظاهراتی است که تحت تأثیر عامل یا عواملی ایجاد میگردد و بر اثر عنصر یا عناصر با علت و یا علل دیگر از میان میرود. ملیت بر روی اراده استوار است ولی تابعیت گاهی بدون اراده هم تحمیل می گردد. ملیت یک نیروی روحی و معنوی است که در صحنه احساسات جلوه میکند اما تابعیت جدا از روح و دور از احساسات هم پیدا میشود.

هر چند ظاهراً و از نظر حقوقی ملیت و تابعیت در یک ردیف قرار دارند ولی بعضی از دول استفاده از بعضی حقوق سیاسی را منحصر با افرادی کرده اند که ملیت اصلی آن دولت را دارند که اینک قانون مدنی خودمان هم اشخاصی را که طبق مقررات تابعیت ایران را قبول میکنند از تمام حقوق و امتیازات جامعه ایرانی برخوردار میسازد غیر از رسیدن بمقام وزارت و کفالت و مأموریت سیاسی در خارجه.

در اجتماعات اولیه بشر که دامن ملت و ملیت باین حد وسعت نرسیده بود ریشه نژادی عامل مهمی بود ولی امروز که عده زیادی یک ملت را تشکیل میدهند مسئله نژاد نقش مهمی ندارد که اینک ملت امریکا از مخلوط نژادها تشکیل شده و نسلها بهم آمیخته و در آغوش محیط بعادات و زبان و کیفیات اجتماعی محل خو گرفته اند که ملیت اصلی خود را از دست داده و ملیت خاصی پیدا کرده اند و چشم آمال افراد آن یک

نقطه را هدف قرارداد است .

يك چنین ملتی که تمام شاخه‌های نسل آن از يك ریشه نیست و آثار هم خونی در اخلاق و عادات و افکار و تمایلات اجتماعی آن یکنوع و یکسان نیست و فقط عبارت از اجتماع افرادی است که از توالد و تناسل نژادهای مختلف و امتزاج عمیق تاریخی موجود فرهنگ ملی و حس ملیت آنها شده ملت سیاسی است بلکه از نظر واقع بینی تمام ملل دنیا ملت سیاسی محسوب میشوند زیرا نمیتوان باور کرد که هیچ دولتی دارای ملتی بدون پیوند و اختلاط از نژاد واحد باشد که در تاریخ خود صافی خون خویش را حفظ کرده از اختلاط بادیگران مصون داشته باشند .

حتی ملت فرانسه که دارای وحدت ملی است و زبان و عادات و عناصر يك ملت را دارد در حقیقت از نژادهای ایتالیائی و ژرمانی و ... تشکیل شده است .

محتاج بتوضیح نیست که نژادهای اصیل در گذشته‌های بسیار دور تاریخی بلکه در تاریکی‌های ماقبل تاریخ از یکدیگر جدا شده‌اند و عوامل و حوادث گوناگون اصل را تحت تأثیر فرع قرارداد و اگر در جستجوی نژاد خالص باشیم شاید در اقوام جزائر پراکنده اقیانوسیه پیدا کنیم که در طی قرون متمادی بادیگران مخلوط نشده باشند .
بالاخره طرفداران نظریه‌های نژادی چون مأخذ و معیار صحیح و دقیقی برای تشخیص و تفکیک نژادها ندارند ناچار بزبان متوسل میشوند .

زبان مترجم احساسات و فرهنگ يك ملت است ، زبان مقیاس فراست و محك حساسیت و معرف کیفیت يك جامعه است ، زبان حافظ اسرار گذشته‌گان و شاخص تمایلات آنان و مؤثر و نافذ در روحیات آیندگان است .

زبان در بین عناصری که در ایجاد ملیت مسابقه میدهند رل اول و نقش اساسی را دارد و یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده ملیت است .

هر چند در بعضی از نواحی مختلف ایران مانند آذربایجان و خوزستان زبانهای بیگانه تکلم میشود ولی از لحاظ سوابق تاریخی و نژادی و غیره با سایر ایرانیان یکدل

و يك جهت هستند و ما بايد سعی فراوان كنيم كه مبادلات سپاهيان انقلاب و مراودات عناصر فرهنگي با تشويق و تسهيل در تعليم زبان فارسي و تكميل و تحكيم وحدت ملي قدم‌های اساسی برداريم تا در تمام اعماق و زوایای كشور اعم از ترك و كرد و عرب و عجم آسوري و كلدانی زبان ملي را ييج و فائق باشد، زیرا در مسائل مهمه اجتماعی سلسله جنبان ملیت زبان است و در شناسائی ملل همزبانی شاخص اصلی است و آنها كه خط و زبان ندارند هیچ ندارند .

كشور فرانسه كه واضع حقوق بشر و مهد آزاديست و آزادی را عامل قدرت خود ميداند ، معتقد است كه بدون آزادی نمیتواند زندگی كند ولی کسانی را كه بلهجه‌های محلی مكاتبه كنند حبس و جریمه می‌كند زیرا وحدت ملي و سلامت كشور و تمامیت خاك فرانسه را مقدم بر همه چیز ميداند .

يك كشور وقتی میتواند از اصول آزادی متمتع گردد كه استقلال داشته باشد و وقتی استقلال حقیقی دارد كه نیرومند باشد و وقتی نیرومند است كه همه دارای يك روح، يك هدف، يك منظور کلی و يك زبان ملي باشند .

هر چند در دنیا هیچ كشوری نیست كه در شمال و جنوب و شرق و غرب و مركز و حواشی زبانها و لهجه‌های محلی نداشته باشد ولی برای اینکه ملیت از هم پاشیده و متلاشی نشود يك زبان ملي دارند و یکی از مواد اول قانون اساسی آنها راجع به زبان ملي است .

با تحولات جهان كنونی و بالاخص چگونگی ایران برای تعمیم زبان ملي و تحقق یگانگی بمعنای جامع كلمه، دولت و ملت ایران باید بمسئله زبان بانظر خیلی جدی و ژرف بنگرند .